

خاطرات حیدر خان عمو او علی

همراه ۱۰ تصاویر منتشر نشده حیدر خان
ب خط: علی انبیر داوود

به کوشش: ناصرالدین حسینی

تهران

سرشناسه	: حسن زاده، ناصرالدین، ۱۳۲۶، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	: خاطرات حیدرخان عمو اوغلی: همراه با تقریرات منتشر نشده حیدرخان به خط علی اکبر داور / به کوشش ناصرالدین حسن زاده.
مشخصات نشر	: تهران: نامک، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۶ ص: مصور.
شابک	: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۶۷۲۱ - ۱۷ - ۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیا.
موضوع	: حیدر عمو اوغلی، ۱۲۹۸-۱۳۴۰ ق -- خاطرات
ده بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ح ۹ ح / DSR ۱۴۵۳
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۷۵۰۹۲
شماره کتابخانه ملی	: ۲۱۶۳۹۷۵

نامک در زبان پهلوی (فاسی میانه) به معنای کتاب و نامه است.
نشر نامک: خیابان فخر رازی، شما، ۳۱، تلفن ۶۶۴۱۷۶۳۶



خاطرات حیدرخان عمو اوغلی

همرا با تقریرات منتشر نشده حیدرخان به خط علی اکبر داور

به کوشش: ناصرالدین حسن زاده

نوبت چاپ: سوم ۱۳۹۸

حروفچینی: گنجینه

طرح جلد: علی بخشی

چاپ و صحافی: کهنمویی زاده

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

شابک ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۶۷۲۱ - ۱۷ - ۰

تمامی حقوق برای نشر نامک محفوظ است.

مرکز پخش: پارسه ۵۶۴۷۷۴۰۵ داخلی ۱

فهرست

۷	پیش‌گفتار
۱۷	بخش اول
۳۵	بخش دوم
۵۳	بخش سوم

به نام خدا

پیش‌گفتار

پس از گذشت یکصد و شصت سال از انقلاب مشروطیت ایران که از مهم‌ترین وقایع تاریخ ایران محسوب می‌گردد، هنوز هم در گوشه و کنار این سرزمین اسناد و اوراق و دست‌نوشته‌هایی از افراد و خاندان‌های متعدد به دست می‌آید که موجب روشنگری علل و حوادث آن دوران می‌شود.

از جمله این اسناد مهم تاریخی، سرگذشت «مهمانی» است که در طول این یک قرن به دست آمده و بعضی از آنها چاپ شده و در اختیار علاقه‌مندان به تاریخ معاصر ایران قرار گرفته است. حیدرخان عمواغلی از برجسته‌ترین افراد دوران مشروطه و از قهرمانان حوادث مهم مشروطیت می‌باشد «که بیست و سه سال از عمر پرثمرش را وقف پیکاری دلیرانه و بی‌امان با مستبدان و دشمنان آزادی کرد»^۱

۱. کتاب اسناد و خاطره‌های حیدرخان عمواغلی، اسماعیل رائین، صفحه ۹، جلد دوم

قسمتی از خاطرات حیدرخان عمواغلی که در طی آن وی تفصیل احوال خود را از بدو ورود به ایران تا موقع قتل اتابک از حدود سال ۱۳۲۰ هجری قمری تا ۲۲ رجب ۱۳۲۵ هـ.ق برای مرحوم ابراهیم منشی زاده تقریر کرده و آن مرحوم به خط خود نوشته، در هجده یادگار سال ۱۳۲۵ به چاپ رسیده است.

کتاب، ای متعددی در مورد زندگانی و مبارزات حیدرخان عمواغلی نگاشته شده‌اند از جمله کریم طاهرزاده بهزاد که خود در جنگ‌های نرین شرکت داشته و از اعضای انجمن غیبی تبریز بوده و محضر حیدرخان را در ده در کتاب مهم خود «قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت» در معرفی چهاردهی‌های برجسته مشروطیت در تبریز در صفحات متعدد از او نام برده است از جمله می‌نویسد:

«معروف است حیدرخان وقتی که یکی از مجاهدان را برای انجام امر خطرناکی می‌فرستاد پس از اینکه بر سر نماز شد دست راستش را به روی شانه مجاهد گذاشت و با لحن موثری گفت: آیا می‌ترسی؟ این جمله را طوری با صمیمیت و محکم ادا می‌کرد که به مأمور دل و جرأت بخشید.

... حیدرخان نفوذ روحی فوق‌العاده داشت تا آنجا که هرکس را با ادای چند جمله مجذوب و منقلب می‌نمود.

برخلاف شرح مرحوم کسروی، روابط مرحوم ستارخان سردار ملی با مرحوم حیدرخان عمواغلی خیلی خوب و صمیمانه بود.

...نگارنده شاهد بودم که کلیه تفنگ‌های پنج‌تیر درجه اول و ماوزر و فشنگ آنها که به دست مجاهدین بود از قفقاز می‌رسید چون در ارک تبریز که به تصرف مجاهدین درآمده بود تفنگ پنج‌تیر وجود نداشت و فقط دو نوع ورنندل بود. در ایامی که آقای تقی‌زاده از راه قفقاز به ایرپا می‌رفتند حیدرخان که تشنه انقلاب و مبارزه با استبداد بود به تبریز آمد و به زودی از ارکان انقلاب آذربایجان گردید.

...حیدرخان رد صریح الهجه ورشید و میهن‌دوست بود و حافظه قوی و هوش بسیار، بیانی سحرآمیز داشت، عزم و اراده حیدرخان ورد زبان‌ها بود و رکس نام او را می‌شنید لرزه براندامش می‌افتاد، ولی وقتی که با او روی‌رو می‌شد یک مرد متواضع و بذله‌گو و شیرین‌صحبت و خوش‌سیما را مشاهده می‌کرد و نسبت به او ارادت می‌رساند. حیدرخان به پول و مقام اعتنا نداشت و دنیا را از دریچه استغنا می‌نگریست. تنها ایده‌آل او اصلاح ارباب‌تأسف‌آور ایران بود. حیدرخان با آن قدرت و شهرت ثروتی پس‌انداز نکرده و آنچه که به دست می‌آورد خرج می‌کرد و پس از شهادت این معلم شد که دارائی نداشته و فقط مقداری لیره و چند عدد جواهرات گم‌یا توی دستمال گذاشته و گره زده بوده نزد آقای سیدحسن تقی‌زاده امانت گذاشته بود و به روایت آقای کاظم‌زاده ایرانشهر آقای تقی‌زاده عین آنها را با حضور چند نفر از جمله آقای ایرانشهر به آقای عباس‌خان افشار برادر حیدرخان که یگانه وارث او بود تحویل داده‌اند. ولی حیدرخان ارثیه مهمی از خود باقی گذاشته و آن نام نیکی است که در

تاریخ مشروطه ایران ثبت گردیده است.^۱

حیدر خان فرزند مشهدی میرزا علی اکبر بوده که مردم او را عمو خطاب می‌کردند و به همین جهت حیدر خان را هم عمو اوغلی (پسرِ عمو) گفته‌اند. جدّ حیدر خان حاجی ملا علی تاری ویردیوف بوده و از آنجا شهرت و نام فامیلی حیدر خان تاری ویردیوف شده است. پاره‌ای منابع حیدر خان را متولّد سلماس یا آلکساندرپول و یا ایل افشار رومیه دانسته‌اند. نامه‌ای که مرحوم محمد نخجوانی در جواب سؤال اسماعیل امیر خیزی می‌نویسد بر سلماسی بودن او تأکید دارد. به هر حال او در به جاری به همراه پدر به قفقاز می‌رود.

حیدر عمو اوغلی در قفقاز بزرگ شد و در تفلیس مهندسی برق خواند. می‌گویند چون در خرد قاجار خواستند برای بارگاه حضرت رضا برق بکشند و لذا احتیاج به یک مهندس مسلمان داشتند او را از تفلیس به مشهد می‌آورند. حیدر خان پسر از ۱۰ سالی از مشهد به تهران می‌آید و در کارخانه برق حاج امین‌الضرب و سفره به کار می‌شود و پس از شکل‌گیری مبارزات مشروطه از هوا این روپاقرص آن می‌شود. در تمام این مدت به دنبال جمع کردن مبارزان مخالفان حکومت و شورش علیه سلطنت استبدادی بود. او در بسیاری از قتل‌ها و ترورهای مستبدین نقش داشت، از جمله بمب‌گذاری سر راه محمد علی شاه، قتل شجاع نظام مرنندی و قتل اتابک. حیدر خان نفوذ و محبوبیت زیادی بین مخالفان استبداد داشت.

۱. قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت، اقبال، ۴۴۲-۴۳۶.